

Guaranteeing the Wife's Financial Rights in Marital Relations from the Point of View of Jurisprudence and Law

Seyed Ehsan Naseri ¹, Alireza Asgari ^{2*}, Seyed Hasan Abedian ³, Seyed Mohammad Mahdi Ahmadi⁴

1- Ph.D. Student, Department of Islamic Jurisprudence and Legal Fundamental, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran, Email.

2- Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Legal Fundamental, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

3- Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Legal Fundamental, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

4- Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Legal Fundamental, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 107-126

Article history:

Received: 12 Aug 2022

Edition: 30 Oct 2022

Accepted: 15 Jun 2023

Published online: 1 Jul 2023

Keywords:

Production, Employment, Knowledge-based Economy, Knowledge, Expert Force.

Corresponding Author:

Alireza Asgari

Address:

Department of Islamic Jurisprudence and Legal Fundamental, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-9448-2391

Tel:

09107030091

Email:

alireza.asgari88@gmail.com

ABSTRACT

Background and Purpose: In the present paper, an attempt has been made to examine the guarantee of the wife's financial rights in the relationship between husband and wife from the point of view of jurisprudence and law.

Materials and methods: In the present paper is descriptive and analytical and library method is used.

Ethical Considerations: In the present paper, the originality of the text, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: The most important guarantee for the implementation of dowry is the right of imprisonment and the refusal of the wife to obey and the punishment of imprisonment, although the legislator has tried to minimize the punishment of imprisonment in the direction of de-imprisonment. In this regard, only for the dowry under 110 coins, a seizure order is issued. Of course, if the wife has confiscated the money from the husband through the security for the relief sought, even after the decision is final and the execution is issued, she cannot receive the husband's interest from the dowry. Spousal alimony also has a criminal and civil enforcement guarantee.

Conclusion: In addition to increasing the prison population, the criminal punishment based on imprisonment will not have an effect on the wife's situation and will be ineffective if the husband is not financially capable. It is better to impose a punishment of forced labor on the husband in designated and defined centers, and to pay the wages to the wife instead of imprisonment for alimony abandonment.

Cite this article as:

Naseti E, Asgari A, Abedian H, Ahmadi M, Guaranteeing the Wife's Financial Rights in Marital Relations from the Point of View of Jurisprudence and Law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲

ضمانت حقوق مالی زوجه در روابط زوجین از منظر فقه و حقوق

سید احسان ناصری^۱، علیرضا عسگری^{۲*}، سید حسن عابدیان^۳، سید محمدمهدی احمدی^۴

۱- دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۳- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۴- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حقوق مالی زوجه در روابط زوجین از موضوعات مهمی است که با توجه به کانون خانواده و رویکرد قانون‌گذار در راستای استحکام و ثبات آن از موضوعات مهمی است که همواره محل بحث و نظر بوده است. در این مقاله تلاش شده به بررسی ضمانت حقوق مالی زوجه در روابط زوجین از منظر فقه و حقوق پرداخته شود.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: مهم‌ترین ضمانت اجرای مهریه حق حبس و امتناع زوجه از تمکین و مجازات زندان است که البته قانون‌گذار در راستای زندان زدایی تلاش کرده مجازات حبس را به حداقل برساند که در همین راستا، صرفاً برای مهریه زیر ۱۱۰ سکه، حکم جلب و بازداشت صادر می‌شود. البته اگر زوجه از طریق تأمین خواسته، مالی را از زوج توقیف کرده باشد پس از قطعیت حکم و صدور اجراییه نیز نمی‌تواند جلب زوج را از بابت مهریه دریافت کند. نفقه زوجه نیز دارای ضمانت اجرای کیفری و مدنی است. الزام قضایی و طلاق ضمانت مدنی و حبس از ۶ ماه تا دو سال ضمانت کیفری ترک انفاق است.

نتیجه‌گیری: مجازات کیفری مبتنی بر حبس علاوه بر افزایش جمعیت زندانیان، در صورت عدم توان مالی زوج، تأثیری در وضعیت زوجه نداشته و ناکارآمد خواهد بود. بهتر است بجای مجازات حبس برای ترک انفاق، قانون‌گذار اقدام به وضع مجازات کار اجباری برای زوجه در مراکز تعیین و تعریف شده، و پرداخت دستمزد آن به زوجه نماید

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۲۶-۱۰۷

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۸/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

واژگان کلیدی:

گردشگری مذهبی، آثار اقتصادی، حمایت از گردشگر، پلیس گردشگری.

نویسنده مسئول:

علیرضا عسگری

آدرس پستی:

ایران، قم، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

۰۹۱۰۷۰۳۰۰۹۱

کد ارکید:

0000-0002-9448-2391

پست الکترونیک:

alireza.asgari88@gmail.com

۱. مقدمه

روابط بین زوجین به روابط مالی و روابط غیرمالی تقسیم می‌شود. حقوق ناشی از زوجیت بر دو قسم است در برخی از حقوق، عقد نکاح علت تامه است؛ به این معنا که به محض وقوع عقد زوجه مستحق خواهد شد، مانند مهریه که به نفس عقد زوجه مالک آن می‌شود؛ هرچند که برای استقرار مالکیت تمام مهر، دخول شرط است. در مورد بعضی دیگر عقد زوجیت علت تامه نیست، بلکه جزئی از علت است؛ نظیر نفقه که علاوه بر عقد، زوجیت تمکین نیز شرط استحقاق آن است و زوجه‌ی ناشزه مستحق آن نخواهد بود (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ۳۱۷-۳۳۴). رژیم حقوق مالی زوجه بیانگر قالب‌بندی کلی نظام حاکم بر حقوق مالی زوجه، یعنی مجموعه‌ای از اصول کلی و زیربنایی سازنده‌ی این نظام است که مشخص‌کننده علت جعل حق مالی برای زوجه و کم و کیف اجرای این حق می‌شود (صفایی؛ امامی، ۱۳۹۰، ج ۱، ۲۵). از آنجا که در روابط بین زوجین حقوق مالی غالباً از آن زن، است با اندکی مسامحه می‌توان روابط مالی بین زن و شوهر و حقوق مالی زن را یکی پنداشت. اکثر تقسیم‌بندی‌ها مباحث حقوق مالی زوجه را به طور کلی شامل مهریه نفقه، هدایای دوران نامزدی و بعد از ازدواج جهیزیه، نحله اجرت‌المثل ایام زوجیت و ارث می‌دانند. همچنین می‌توان حقوق مستمری و شرط تنصیف دارایی و دیگر شروط مالی ضمن عقد نکاح را به عنوان حقوق مالی زوجه مطرح نمود در این میان جهیزیه در ذیل مبحث نفقه قابل بررسی است و معرفی جهیزیه‌ی مورد نظر عرف که خانواده دختر به وی تملیک می‌کنند را نمی‌توان جزئی از حقوق مالی وی دانست. علاوه بر این، ارث را به سه دلیل

خارج از موضوع حقوق مالی زوجه می‌دانیم، اول اینکه در سنت حقوق خانواده ما مبحث ارث ذیل مبحث احوال شخصیه قرار گرفته است، ولیکن بعضی از مباحث حقوق خانواده از جمله مباحث ذیل احوال شخصیه محسوب نمی‌شود. دومین دلیل اینکه در کتب حقوقی و مقاطع آموزشی مختلف، نیز موضوع ارث به طور مجزا از حقوق خانواده تدوین و تدریس می‌شود و دلیل سوم که مهم‌ترین دلیل ما در عدم ورود به بحث ارث می‌باشد عدم جای‌گیری مواد مربوط به ارث در ذیل مباحث حقوق خانواده در قانون مدنی و عدم ورود قانون حمایت خانواده، ۱۳۹۱ به مبحث ارث در روابط زوجین به عنوان یکی از حقوق مالی زوجه می‌باشد. در سنت حقوق خانواده، ما مباحث ارثیه ذیل مبحث احوال شخصیه قرار دارد. در خصوص حقوق مالی زوجین پژوهش‌های متعددی انجام‌شده است: شکوفه زایرتوری؛ علی بحری طیبی، در مقاله‌ای به بررسی حقوق مالی زوجه در حین زوجیت پرداخته‌اند (زایرتوری؛ بحری طیبی، ۱۳۹۵). کریم ترابی نیز در مقاله‌ای، حقوق و تکالیف قانونی در روابط مالی زوجین را با رویکرد فقهی و حقوقی تبیین و تحلیل کرده است (ترابی، ۱۳۹۹). همچنین سید جلال صمدانی، محسن فهیم و محمدعلی حیدری در مقاله‌ای نقش عرف در تعیین حقوق مالی زوجین را بررسی کرده‌اند (صمدانی؛ فهیم؛ حیدری، ۱۴۰۱). اما ضمانت اجرای حقوق مالی زوجه بررسی نشده و نوآوری مقاله حاضر بررسی این موضوع مهم است. خانواده کانون عشق مهربانی، عواطف و حسن نیت است و هیچ نیرویی جز اخلاق و ایمان نمی‌تواند بر این عواطف حکومت کند؛ لذا اخلاق مهم‌ترین پشتوانه حقوق خانواده است. بنابراین وجدان اخلاقی اعضای خانواده مهم‌ترین عنصر برای پابندی هر

توقیف کرده باشد پس از قطعیت حکم و صدور اجراییه نیز نمی‌تواند جلب زوج را از بابت مهریه دریافت کند. نفقه زوجه نیز دارای ضمانت اجرای کیفری و مدنی است. الزام قضایی و طلاق ضمانت مدنی و حبس از ۶ ماه تا دو سال ضمانت کیفری ترک انفاق است.

۵. بحث

۵-۱. ضمانت اجرای مهریه

در این قسمت به بررسی ضمانت اجرای مهریه پرداخته می‌شود. ضمانت اجرای مهریه در فقه حق حبس است. «حق حبس حق امتناعی است که هر یک از طرفین معامله در صورت عدم تسلیم مورد تعهد از طرف دیگر دارد. در عقد نکاح تا مادامی که زن مهر خود را قبض نکرده، قادر به عدم تمکین نسبت به امور زناشویی و یا عدم ایفای کلیه وظایفی که در مقابل شوهر دارد، می‌باشد و شوهر نمی‌تواند وی را در این مورد مجبور کند» (جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰، ج ۷، ۱۹۴). «مهر می‌تواند حال یا مؤجل باشد، اگر مهریه حال باشد، زوجه می‌تواند بلافاصله پس از عقد مهریه را مطالبه کند و زوج نیز موظف است که بی‌درنگ مهریه را تسلیم زوجه نماید. چنانچه زوج از تسلیم خودداری کند، زوجه می‌تواند قبل از هرگونه نزدیکی نسبت به استمتاع زوج تمکین ننماید و در این حالت عدم تمکین زوجه، حق نفقه وی را از عهده زوج ساقط نخواهد کرد، در حالی که اگر با پرداخت مهریه از تمکین خودداری می‌کرد حق نفقه وی ساقط بود» (طوسی، ۱۳۷۸، ج ۴، ۳۱۳؛ الحلی الهذلی، ۱۴۰۵، ۴۴۰). ماده ۱۰۸۵ ق.م. در این مورد بیان می‌کند: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند

یک از آن‌ها به حقوق و تکالیف متقابل می‌باشد لذا ضمانت اجرای اخلاقی را در عرض ضمانت‌های مذهبی اخروی نباید از نظر دور داشت. چگونه زوج متعادل با سوء استفاده از حق طلاق بدون دلیل مشروع، زن خود را طلاق می‌دهد در حالی که اعمال این حق حتی بدون سوءاستفاده مبعوض ترین اعمال در نزد خداوند به شمار آمده است. مع الوصف حقوق خانواده مانند دیگر گستره‌های حقوقی نیازمند ضمانت اجرای حقوقی است. سؤال مهمی که در این مقاله مطرح و بررسی می‌شود این است که ضمانت حقوق مالی زوجه در روابط زوجین از منظر فقه و حقوق چیست؟ به منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره ابتدا ضمانت مهریه، سپس ضمانت نفقه بررسی شده و در ادامه به نحله و اجرت‌المثل و حقوق مستمری به عنوان بحث حدوث مالی زوجه در روابط زوجین پرداخته می‌شود.

۲. مواد و روش‌ها:

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی:

در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها:

مهم‌ترین ضمانت اجرای مهریه حق حبس و امتناع زوجه از تمکین و مجازات زندان است که البته قانون‌گذار در راستای زندان زدایی تلاش کرده مجازات حبس را به حداقل برساند که در همین راستا، صرفاً برای مهریه زیر ۱۱۰ سکه، حکم جلب و بازداشت صادر می‌شود. البته اگر زوجه از طریق تأمین خواسته، مالی را از زوج

مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود».

قانون حمایت خانواده از دیگر قوانینی است که به ضمانت اجرای مهریه اشاره دارد. در خصوص بحث مهریه موارد مبهم و خلأهایی از زمان تصویب قانون مدنی وجود داشت (محقق داماد، ۱۳۸۰، ۲۳۶)، که انتظار می‌رفت با تدوین قانون حمایت خانواده‌ی مصوب ۱۳۹۱ اشکالات و ابهامات آن نیز مورد تصریح قانون‌گذار قرار بگیرد. ولیکن قانون‌گذار ترجیح را بر آن دید که بدون پرداخت به جزییات، با هدف کاهش زندانیان مهریه ورود ماهوی و شکلی خود را منحصرأ در بخش ضمانت اجرای پرداخت مهریه داشته باشد.

با مرور ماده‌ی ۲۲ به بررسی دستاوردها، خلأهای و ابهامات احتمالی این ماده پرداخته می‌شود: «ماده ۲۲: هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یک‌صد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده (۲) قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است».

برای شرح چگونگی ورود ماهوی قانون‌گذار در تعیین ضمانت اجرای عدم پرداخت مهریه یادآوری این نکته لازم می‌نماید که سابق بر این عدم پرداخت مهریه توسط زوج، همانند سایر محکومیت‌های مالی دو ضمانت اجرای قانونی داشت توقیف اموال زوج (مدیون) و یا بازداشت وی (مدیون) البته طبق شرایطی.

از نوآوری‌های قانون مصوب ۱۳۹۱ در موضوع مهریه این است که قانون‌گذار ضمانت اجرای

مذکور را برای مهریه‌های کمتر و بیشتر از ۱۱۰ سکه و معادل، آن از یکدیگر متمایز نموده و اعمال ضمانت اجرای دوم بازداشت برای مهریه‌های بیشتر از ۱۱۰ سکه و معادل آن را منتفی کرده است. با این توضیح که گاه تا یک صد و ده سکه تمام بهار آزادی باشد؛ از حمایت ماده‌ی ۲ قانون نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی برخوردار خواهد بود و زوجه حق دارد مردی را که با وجود ملائت از پرداخت مهریه سرباز می‌زند طبق ماده ۲ جلب و درخواست بازداشت وی را نماید. ولیکن اگر همین مرد ۱۱۰ سکه تمام را به همسر خود پرداخته باشد، برای مهریه‌ی مازاد بر ۱۱۰ سکه حتی با وجود احراز ملائت سابق مرد به دادگاه در صورت عدم پرداخت مرد، زن حق جلب و بازداشت مرد را نخواهد داشت و صرفاً می‌تواند با اعلام اموال مرد از دادگاه توقیف آن‌ها را مطالبه کند در بیان حقوقی این اقدام قانون‌گذار بدین معناست که «مهریه تا ۱۱۰ سکه ضمانت اجرای کیفری دارد و مازاد بر آن ضمانت اجرای کیفری ندارد فقط ملائت شرط است که اگر در دادگاه مطرح بود باید ملائت ثابت شود یا مالی توقیف شود که دلیلی بر ملائت باشد. اگر هم از طریق اجرای ثبت می‌خواهند مهریه را بگیرند باید مالی را توقیف کنند که آن‌هم توانایی مالی است» (صفایی، ۱۳۹۲).

با عنایت به ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و اصلاحیه بند ج ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون مذکور اصلاحی مورخ ۱۳۹۱/۴/۳۱ ریاست محترم قوه قضائیه در مواردی که بدهکار بابت بدهی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مالی اخذ نکرده باشد مانند مهریه اصل عدم جاری، است زیرا انسان

بدون دارایی متولد می‌شود و دارایی امری حادث است و وجود آن نیاز به دلیل دارد بنابراین احراز ملائت زوج نیاز به دلیل دارد همان طوری که به شرح فوق اعلام گردیده چنانچه زوج قبل یا بعد از اجرای قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ یک‌صد و ده سکه از مهریه متعلقه را به زوجه پرداخت نموده باشد در فرض استعلام دادگاه صادرکننده حکم قطعی باید در اجرای ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ نسبت به صدور دستور آزادی زوج در صورت حبس بودن و یا رفع اثر از دستور جلب وی اقدام نماید. حقوقدانان برای توجیه و فلسفه‌ی این اقدام قانون‌گذار دلایل مختلفی را مطرح کرده‌اند، بنا به نظر برخی منطق حاکم بر این حکم صیانت از نهاد خانواده است توضیح اینکه امکان بازداشت زوج به دلیل پرداخت نکردن مهریه‌های سنگین امری مغایر با اخلاق است و زمینه گسست بنیان خانواده‌ها را فراهم می‌آورد؛ البته پای بند نبودن زوج به پرداخت مهریه‌ی متعارف نیز از نظر اخلاقی پذیرفته نیست به همین دلیل قانون‌گذار راه میانه را پیموده و برای پیشگیری از سوء-استفاده‌ی زوج، ضمانت اجرای ماده ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی را اساساً منتفی ندانسته است» (قبولی درافشان؛ محسنی، ۱۳۹۴).

شخص ثالث قرارداد، چنان چه تعیین مهر بعد از عقد نکاح صورت، پذیرد تکلیف چیست؟ در پاسخ باید گفت قید مطرح در ماده ۲۲ زمان وقوع عقد محمول بر غلبه بوده، از آنجایی که معمولاً مهریه در زمان انعقاد قرارداد تعیین می‌شود، از عبارت مزبور استفاده شده است. بنابراین، در فرضی که مهریه بعد از انعقاد قرارداد تعیین شده است، ملاک همان زمان در همین راستا چنان چه مهریه غیر از سکه بهار آزادی باشد ملاک زمانی برابری مهریه با ۱۱۰ عدد سکه بهار آزادی زمان تعیین مهریه است» (قبولی درافشان؛ محسنی، ۱۳۹۴، ۱۳۶). ایراد دیگری که در این خصوص مطرح است این است که مبنای حقوقی میزان ۱۱۰ سکه برای این تمایز در ضمانت اجراست؛ برخی با این تفسیر که قانون‌گذار بدین وسیله سقفی برای مهریه تعیین کرده است این امر را خلاف شرع و قانون می‌دانند و با آیات و روایات درصدد رد آن بر می‌آیند؛ برخی نیز علیرغم رد نظری که ۱۱۰ سکه را تعیین سقف برای مهریه می‌داند ملاک تعیین ۱۱۰ سکه را با هیچ کدام از شرایط اقتصادی و حقوقی سازگار نمی‌دانند.

۵-۲. ضمانت اجرای نفقه

طلاق مهم‌ترین ضمانت اجرای نفقه از منظر فقهی است. بر این اساس، «به موجب آن شوهر مکلف به انفاق شده و مقرر گردیده که چنانچه شوهر به تکلیف انفاق خود عمل نکند، خود او یا حاکم، زن را طلاق دهند» (حر عاملی، ۱۳۹۱، ج ۲۱، ۵۰۹). و از امام باقر علیه‌السلام نیز روایت است که فرمود: «هر کس از تأمین لباس و آذوقه همسر خویش خودداری نماید، امام حق دارد که میان‌شان جدایی افکند» (ابن‌بابویه قمی(شیخ صدوق)، ۱۴۰۴، ج ۳، ۲۷۹)، در بعضی از روایات به طور مطلق دستور داده شده است که اگر شوهر

ابهامات و اشکالاتی در خصوص این ماده مطرح است: از آنجایی که در ماده‌ی مزبور سخن از زمان وقوع عقد به میان آمده، این پرسش مطرح می‌شود که در فرضی که مهریه در زمان عقد تعیین نشده، چه باید کرد؟ برای نمونه، از آنجایی که در عقد دائم تعیین مهر شرط صحت نکاح نبوده و می‌توان تعیین مهر را به آینده موکول کرد و تعیین آن را در اختیار یکی از زوجین یا

نفقه زوجه را نپردازد، بین آنان جدایی انداخته می‌شود بدون آنکه مشخص شود چه کسی اجازه این کار را دارد. امام صادق (ع) ذیل آیه شریفه وَ مَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ (طلاق، ۶-۷) می‌فرمایند: «هرگاه مرد نفقه زن خود را به میزانی که برای او کفایت می‌کند، بپردازد و نیز پوشاکش را فراهم کند وظیفه‌اش را انجام داده و گرنه جدا می‌گردند» (حر عاملی، ۱۳۹۱، ج ۲۱، ۵۰۹)، اما در بعضی روایات این وظیفه به عهده امام گذاشته شده است. منظور از امام در احادیث فوق امام معصوم است مگر آن‌که قرینه‌ای برخلاف آن باشد. اما در عصر غیبت این مسئله از وظایف امام مسلمین و حاکم شرع است. ابن جنید با استدلال به روایات فوق فتوای داده است که اگر شوهر نتواند نفقه زن را بپردازد زن حق فسخ دارد و می‌تواند جدا شود (اشتهاردی، ۱۳۷۳، ۲۶۵). به علاوه نپرداختن نفقه موجب ضرر و عسر و حرج زوجه است که به اجماع نبایست زمینه عسر و حرج را فراهم کرد.

البته همه فقها چنین دیدگاهی نداشته و در این خصوص قائل به تفکیک هستند. از دیدگاه آن‌ها: «اگر شوهر معسر باشد و نتواند نفقه بدهد، زن باید صبر کند تا خداوند در کار او وسعت ایجاد کند» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ۲۱ - ۲۳). دیدگاه مورد اشاره مبتنی بر آیه ۲۸۰ سوره بقره است که بر اساس آن «اگر از کسی که طلبکار هستید، فتنه (فرد بدهکار) تنگدست شود بدو مهلت دهید تا توانگر گردد و این حکم عام است بنابراین حتی اگر زن مطالبه طلاق نماید، حاکم نباید بپذیرد. از این منظر زن در حالت اعسار شوهر، مخیر بین طلاق و فسخ است و چنانچه زن صبر را برگزیند، حق انتخاب او در صورت بقاء اعسار شوهر از بین نمی‌رود. حتی طبق قول ایشان،

چنانچه زن سابق بر ازدواج علم به اعسار مرد داشته باشد، باز هم حق انتخاب دارد. فقها اتفاق نظر دارند که اگر شوهر توانایی مالی داشته باشد، ولی نفقه همسر را نپردازد حاکم او را مجبور می‌کند که نفقه بپردازد و اگر شوهر مال آشکاری داشته باشد حاکم از آن مال نفقه زوجه را می‌پردازد (محقق داماد، ۱۳۸۰، ۳۰۶؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ۳۰۶). از این منظر، در صورتی که شوهر با وجود یسر و قدرت بر پرداخت از ادای نفقه خودداری کند، زن می‌تواند رأساً و بدون مراجعه به دادگاه از اموال او تقاص نماید. این نظر اما در نظم حقوق کنونی قابل پذیرش نیست چون نمی‌توان قانون را به دست افراد داد و تقاص راهکاری نیست که در حقوق موضوعه بتوان به آن اعتماد نمود پس ضمانت اجرای نفقه در فقه را می‌توان این گونه بیان کرد: ۱- حاکم به زوج دستور می‌دهد که نفقه زوجه را بپردازد. ۲- در صورت تخلف از امر حاکم نفقه زوجه از اموال زوج اخذ می‌شود البته ترک انفاق از سوی زوج از معاصی الهی است و حاکم می‌تواند زوج را به خاطر این معصیت تعزیر کند اینک به ضمانت اجرای حقوقی نفقه پرداخته می‌شود.

۵-۳. ضمانت اجرای مدنی نفقه

در قانون مدنی، الزام قضایی اولین ضمانت مدنی ترک نفقه است. مطابق ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی: «زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند، در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد». بر اساس ماده ۱۱۱۱ اولین ضمانت اجرای نفقه الزام قضایی شوهر مستنکف می‌باشد. این حکم را می‌توان بازتابی از نظرات فقها دانست که امتناع شوهر از پرداخت نفقه زن را از مصادیق نشوز او دانسته و معتقدند در این حالت زن

می‌تواند به حاکم مراجعه کند و حاکم شوهر را مجبور به پرداخت کند. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ۲۰۷؛ عاملی، ۱۳۹۰، ۳۴۹؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ۲۸۹-۲۸۸؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶، ۲۶۱؛ حبیبی تبار، ۱۳۹۴، ۶۱-۶۰؛ اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۷، ۵۲۰) با این حال ناگزیر باید حالتی را در نظر گرفت که در آن الزام شخصی که حکم به پرداخت نفقه علیه او صادرشده، ممکن نبوده و به اجرای حکم منجر نمی‌شود که این حالت خود به دو صورت قابل تصور است: صورت اول زمانی است که محکوم علیه حکم پرداخت نفقه دارای تمکن مالی بوده لکن حاضر به اجرای حکم و پرداخت نفقه زوجه نمی‌باشد به چنین شخصی اصطلاحاً مستنکف از پرداخت نفقه گفته شود. اما صورت دوم مربوط به زمانی است که به هیچ نحوی امکان اجرای حکم و پرداخت نفقه زوجه از سوی شوهر وجود نداشته باشد. این حالت به دو دلیل قابل فرض است اول اینکه ممکن است امکان دسترسی به اموال شوهر وجود نداشته و در عین حال کسی هم نباشد که حاضر به پرداخت نفقه به حساب شوهر باشد. به عبارتی هیچ یک از راهکارهای بیان شده در ماده ۱۲۰۵ اصلاحی قابلیت اجرا نداشته باشد. دوم اینکه ممکن است شوهر به دلیل تنگ‌دستی و فقر عاجز از پرداخت نفقه همسرش محسوب شود (دیانی، ۱۳۸۷، ۱۹۸؛ امیرمحمدی، ۱۳۸۸، ۱۱۱؛ صفایی؛ امامی، ۱۳۹۰، ۱۴۳؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ۱۸۵؛ شریف، ۱۳۷۶، ۸۸؛ ارشدی، ۱۳۷۹، ۶۹) در اینجا است که مطابق ماده ۱۱۱۲ ق.م نوبت به ضمانت اجرای مقرر در ماده ۱۱۲۹ این قانون یعنی الزام به طلاق می‌رسد.

علاوه الزام به نفقه، طلاق ضمانت اجرای مدنی ترک نفقه است. زیرا الزام به پرداخت نفقه همیشه

امکان‌پذیر نیست. بر همین اساس، ماده ۱۱۱۲ ق.م مقرر داشته: «که اگر اجرای حکم مذکور در ماده قبل ممکن نباشد مطابق ماده ۱۱۲۹ رفتار خواهد شد.» ماده ۱۱۲۹ ق.م نیز درباره استنکاف شوهری که الزام او به تأدیه نفقه ممکن نباشد و همچنین درباره عجز شوهر از دادن نفقه چنین بیان می‌دارد: «در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرا حکم محکمه و الزام او به دادن، نفقه زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را به اجبار به طلاق می‌نماید.» در واقع «مطابق ماده ۱۱۱۱ ق.م: زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد و در صورتی که اجرای حکم دادگاه و الزام شوهر به دادن نفقه به علت سرسختی شوهر یا عجز او از انفاق و یا عدم دسترسی به اموالش ممکن، نباشد، مطابق مواد ۱۱۱۲ و ۱۱۲۹ ق.م زن حق درخواست طلاق خواهد داشت» (صفایی؛ امامی، ۱۳۹۰، ۱۴۳).

در خصوص اینکه آیا ماده ۱۱۲۹ ق.م. تنها ناظر به نفقه آینده است یا مخارج گذشته را نیز شامل می‌شود، اختلاف نظر وجود دارد ظاهر ماده ۱۱۲۹ هردو مورد را دربر گیرد اما با این حال بسیاری از قضات و نویسندگان حقوقی این ماده را به نفقه آینده زوجه اختصاص داده‌اند. با این استدلال که نفقه گذشته در حکم سایر دیون شوهر به زن است همان‌گونه که به استناد طلبی که زن به جهات دیگر از مرد دارد نمی‌توان او را مستحق طلاق شمرد، در مورد طلب ناشی از نفقه گذشته نیز صدور حکم به طلاق مجوزی ندارد» (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۱۴۵). همچنین ضمانت اجرای مدنی نفقه اقارب امکان اقامه دعوی حقوقی مطالبه نفقه

آینده از سوی مستحق نفقه به طرفیت شخص منفق می‌باشد. این موضوع علاوه بر ماده ۱۲۰۶ ق.م که مقرر می‌دارد: «... اقارب فقط نسبت به آتیه می‌تواند مطالبه نفقه نماید.» می در ماده ۴۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ نیز مورد تصریح قرار گرفته است به موجب این ماده: «دادگاه در صورت درخواست زن یا سایر اشخاص واجب النفقه میزان و ترتیب پرداخت نفقه آنان را تعیین می‌کند.» به منظور پیشبرد ضمانت اجرای مدنی الزام منفق به پرداخت نفقه زوجه یا اقارب یک سری اقدامات تأمینی در ماده ۱۲۰۵ اصلاحی قم پیش‌بینی شده است: «در موارد غیبت یا استنکاف از پرداخت نفقه، چنانچه الزام که پرداخت نفقه بر عهده اوست ممکن نباشد دادگاه می‌تواند با مطالبه‌ی افراد واجب النفقه به مقدار نفقه از اموال غایب یا مستنکف در اختیار آنها یا متکفل مخارج آنان قرار دهد و در صورتی که اموال غایب یا مستنکف در اختیار نباشد همسر وی یا دیگری با اجازه دادگاه می‌توانند نفقه را به عنوان قرض بپردازند و از شخص غایب یا مستنکف مطالبه نمایند» (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۱۴۶؛ دیانی، ۱۳۸۷، ۱۹۹). به نظر می‌رسد باید محدوده‌ی اجرای ماده ۱۱۲۹ ق.م را علاوه نفقه آینده ناظر به حالتی دانست که نفقه گذشته در کنار نفقه آینده تحت عنوان کلی «نفقه» مورد مطالبه قرار می‌گیرد.

در قانون حمایت خانواده نیز به ضمانت اجرای مدنی ترک نفقه اشاره شده است. در راستای تأمین اجرای قواعد قانون مدنی در رابطه با ضمانت اجرای نفقه زوجه و به تبع آن، ماده ۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ امکان صدور گواهی عدم امکان سازش را در صورت احراز «استنکاف شوهر از دادن نفقه زن و عدم امکان الزام او به تأدیه نفقه ...» در بند ۲ خود پیش‌بینی

نمود (صفایی؛ امامی، ۱۳۹۰، ۱۴۲؛ شریف، ۱۳۷۶، ۹۵). از جمع این ماده و مواد قانون مدنی دو شیوه برای عملی شدن ضمانت اجرای طلاق در خصوص ترک انفاق نتیجه‌گیری می‌شود اول اینکه مطابق مواد ۱۱۱۱ و ۱۱۲۹ ق.م می‌توان به منظور مطالبه نفقه در دادگاه خانواده طرح دعوا نمود و خواستار پرداخت نفقه از سوی شوهر شد. چنانچه امکان الزام شوهر به اجرای حکم انفاق میسر نشد در دادگاه تقاضای طلاق را مطرح نمود. یا آنکه از طریق پیش بینی شده در بند ۲ ماده قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ اقدام نمود بدین صورت که زوجه از دادگاه خانواده به جهت استنکاف شوهر از پرداخت نفقه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش نماید. در این حالت دادگاه در صورت احراز استنکاف شوهر و عدم امکان الزام او به تأدیه نفقه مبادرت به صدور گواهی عدم امکان سازش می‌نماید. لذا بدین ترتیب مطابق نظر یکی از حقوقدانان برخلاف قانون مدنی، «لازم نیست زوجه قبلاً صدور حکم انفاق را از دادگاه بخواهد» در واقع به عقیده ایشان قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ حکم انفاق را به منظور صدور گواهی عدم امکان سازش شرط ندانسته و از این جهت ناسخ قانون مدنی (مواد ۱۱۱۱-۱۱۲۹) محسوب می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ۲۲۶).

با این حال پذیرش نسخ قانون مدنی به وسیله ماده ۸ قانون حمایت خانواده دشوار به نظر می‌رسد با این توضیح که ماده ۸ ق.ج. حکم مصوب ۱۳۹۱ را پیش‌بینی نکرده است زیرا بند ۲ ماده ۸ ق.ج. صدور گواهی عدم امکان سازش را منوط به احراز استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان الزام او نموده است چه بسا یکی از راه‌های اثبات استنکاف شوهر از پرداخت نفقه

زوجه حکم انفاقی باشد که علیه او صادر شده و به موقع اجرا نرسیده است. کما اینکه «عدم امکان الزام شوهر به تأدیه نفقه» زمانی قابل تصور می‌باشد که مبلغ قابل پرداخت تحت عنوان نفقه معین شده باشد که معمولاً این امر در حکم انفاقی صورت می‌گیرد.

بنابراین می‌توان ماده ۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ را در زمینه نفقه در مقایسه با مواد ۱۱۱۱ و ۱۱۲۹ ق.م.بیانگر شیوه‌ای آسان‌تر در جهت اجرای ضمانت اجرای طلاق دانست که می‌تواند الزاماً به معنای نسخ قانون مدنی نباشد. لازم به یادآوری است که بند ۲ ماده ۸ تنها از استتکاف شوهر از پرداخت نفقه سخن گفته است. لذا مورد عجز شوهر از پرداخت نفقه را باید تنها تابع قواعد قانونی مدنی دانست.

نکته‌ای که لازم به ذکر به نظر می‌رسد، سکوت قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مصوب ۱۳۹۱ در خصوص حکم مقرر در بند ۲ ماده ۸ قانون سابق حمایت خانواده باشد که منجر به طرح این سؤال می‌شود که آیا می‌توان مقررات قانون سابق حمایت خانواده را همچنان معتبر و مجری دانست؟ این سؤال از آنجا مطرح می‌شود که قانون‌گذار در ماده ۵۸ قانون مصوب ۱۳۹۱ که قوانین منسوخ را اعلام دارد، نامی از قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ نیاورده است. در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت هرگاه در خصوص یک موضوع دو قانون وضع شده باشد که با یکدیگر قابل جمع نباشند باید قائل به نسخ ضمنی قانون قدیم شد زیرا قانون مصوب ۱۳۹۱ بیانگر آخرین اراده قانون‌گذار محسوب می‌شود چنانکه رأی فرجامی دیوان عالی کشور به شماره ۲۹۶۹-۹۱۶ به تاریخ ۱۳۰۸/۰۷/۲۲ بیان می‌دارد: «اگر دو

قانون با همدیگر در قسمتی تنافی داشته باشند که نتوان بین آن‌ها جمع نمود، قانون لاحق طبعاً نسخ قانون سابق خواهد بود ولو اینکه در آن تصریح به نسخ نشده باشد (بهرامی، ۱۳۹۲، ۶۵). بنابراین اگرچه مقرر ماده ۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ در قانون مصوب ۱۳۹۱ به سکوت برگزار شده اما این سکوت را نمی‌توان به مثابه تعارض با قانون سابق دانست چه اینکه تعارض بین دو قانون زمانی مصداق پیدا می‌کند که هر دو قانون بیان‌کننده دو حکم متضاد باشند مانند ماده ۱۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲ که صدور چک وعده‌دار سفید امضا مشروط و تضمینی را مستوجب کیفر می‌شناخت. در حالی که در ماده ۱۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۸۲ صدور این دسته از چک‌ها موجب سلب مسئولیت کیفری و حقوقی شدن چک شناخته شده است (مرادی، ۱۳۹۴، ۱۳۴). لذا می‌توان دلیل سکوت قانون مصوب ۱۳۹۱ را به اجتناب قانون‌گذار از تکرار حکمی که سابقاً در قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ وضع نموده تعبیر کرد بنابراین باید قائل به اعتبار قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ در کنار قانون مصوب ۱۳۹۱ شد و قانون سابق را صرفاً در موارد تعارض صریح با قانون مصوب ۱۳۹۱، به‌طور ضمنی ملغی دانست.

در کنار مقرر ماده ۸ (بند ۲) قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ آنچه که بیان‌کننده ضمانت اجرای مدنی نفقه زوجه در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مصوب ۱۳۹۱ به نظر می‌رسد ماده ۴۷ این قانون است که بیانگر حکمی نسبتاً مشابه ماده ۱۱۱۱ ق.م.بیانگر است: «دادگاه در صورت درخواست زن یا سایر اشخاص واجب‌النفقه میزان و ترتیب پرداخت نفقه آنان را تعیین می‌کند.» نکته‌ای که در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ قابل ذکر

به نظر می‌رسد حکمی است که در ماده ۲۹ این قانون پیش بینی شده که تا حدودی تضمین‌کننده حقوق مالی زن از جمله نفقه او در مرحله طلاق (به درخواست زوج می‌باشد مطابق این ماده ثبت طلاق مولکول به تأدیه حقوق مالی زوجه است و دادگاه مکلف است ضمن رأی خود تکلیف نفقه زوجه و نحوه پرداخت آن را در کنار دیگر حقوق او تعیین نماید، بدون آنکه این امر در دادخواست مورد مطالبه قرار گیرد (ابهری؛ معینی فر؛ درگاهی، ۱۳۹۴، ۱۶۵). در این ماده از واژه نفقه به طور عام استفاده شده است لذا توان آن را علاوه بر نفقه آینده شامل نفقه گذشته نیز دانست در ماده ۴۹ این قانون برای مردی که بدون ثبت در دفاتر رسمی اقدام به طلاق نماید مجازات پیش‌بینی شده است بنابراین می‌توان پیش‌بینی این موضوع را در کنار ضمانت‌های اجرایی که به منظور تأمین حق زوجه بر نفقه در قوانین مدنی و حمایت خانواده وضع شده‌اند، تضمینی در جهت تأدیه نفقه زوجه در فاصله بین اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفاتر رسمی دانست. همچنین مطابق ذیل ماده ۲۹ مذکور این حق برای زن پیش‌بینی شده که اگر به ثبت طلاق بدون دریافت حقوق مذکور در این ماده رضایت داد، بتواند پس از ثبت طلاق برای دریافت این حقوق از طریق اجرای احکام دادگستری مطابق مقررات اقدام کند. در آخر لازم است اشاره شود در مواردی که تعهد شوهر به پرداخت نفقه پس از انحلال نکاح نیز استمرار پیدا کند در عده طلاق رجعی بدیهی است ضمانت اجرای پیش‌بینی‌شده در ماده ۱۱۲۹ ق.م.و بند ۲ ماده ۱۳۵۳ موضوعیت ندارد و زن می‌تواند در صورت ترک اتفاق از سوی شوهر (شوهر سابق)، مطابق مقررات (مواد ۱۱۱۱

ق.م.و ۴۷ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ و...) از دادگاه تقاضای الزام شوهر به پرداخت نفقه نماید. بنابراین در چنین مواردی در صورت عدم پرداخت نفقه از سوی شوهر تنها گزینه‌ی طرح دعوا و الزام شوهر به پرداخت برای زن باقی می‌ماند به علاوه در قوانین موضوعه پیش بینی نشده که اگر در چنین مواردی امکان الزام شوهر به پرداخت نفقه حتی با استفاده از ماده ۱۲۰۵ ق.م.و وجود نداشته باشد تکلیف چه خواهد بود. روشن است در چنین حالتی زن می‌تواند در صورت موجود بودن شرایط لازم از خویشان نسبی خود نفقه دریافت نماید. هرچند که دریافت نفقه از سوی اقارب در حالتی که نکاح منحل شده و امکان الزام شوهر به پرداخت نفقه وجود ندارد نمی‌تواند راه‌حل این مسئله باشد.

۴-۵. ضمانت اجرای کیفری نفقه

ارتباط قواعد مربوط به نظام حقوقی خانواده با نظم عمومی و تأثیر مستقیم آن بر مصلحت افراد و جامعه موجب شد تا قانون‌گذار در بعضی موارد به منظور حسن اجرای این، قواعد به وضع ضمانت اجرای کیفری اقدام نماید از جمله این موارد تکلیف قانونی انفاق نسبت به زن دائم و خویشاوندان نسبی (در خط عمودی) مقرر در مواد ۱۱۰۶ و ۱۱۹۶ قانون مدنی است که علاوه بر ضمانت اجرای حقوقی فصل دوم به آن اختصاص یافت از ضمانت اجرای کیفری نیز برخوردار می‌باشد.

ضمانت اجرای کیفری عدم پرداخت نفقه قبلاً در ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، در صورت استطاعت منفق در پرداخت و امتناع از آن بین سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس اعلام‌شده بود (دیپانی، ۱۳۸۷، ۱۹۶). این ماده بر

قوانین مربوط به حقوق خانواده از جمله الزام به انفاق و ارتباط آن با نظم عمومی، هماهنگی بیشتری دارد.

از نقاط قوت این ماده پیش‌بینی قابل‌گذشت بودن جرم ترک انفاق در قسمت اخیر آن است که از این جهت ابهامات ماده ۷۲۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ را در خصوص موازین شرعی پیش‌بینی شده در آن، برطرف نموده است. به ویژه آنکه ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ (تعزیرات) به موجب ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسخ شده و ماده ۱۰۴ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۱ در احصاء جرائم قابل‌گذشت جایگزین آن شده و اشکالات آن را رفع نموده است جالب است بدانیم در ماده ۱۰۴ قانون مصوب ۱۳۹۱ به ماده ۶۴۲ قانون ۱۳۷۵ جزو جرائم قابل‌گذشت اشاره شده است در حالی که چند ماه قبل از تصویب این، قانون، همان طور که بیان شد، ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی تعزیرات به موجب بند ۹ ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ ملغی اعلام گردید.

با توجه به آنچه گفته شد، ذکر این نکته لازم است که ضمانت اجرای کیفری نفقه زن تنها به «زن دائمی» اختصاص داشته و علی‌رغم اطلاق کلمه زن در تمام قوانین پیش‌بینی کننده مجازات جرم ترک انفاق نمی‌توان آن را به زن در نکاح منقطع تسری داد و مجازات ترک انفاق را در خصوص او نیز قابل اجرا دانست. زیرا به موجب ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی در عقد انقطاع زن در صورتی حق نفقه دارد که انفاق در عقد شرط شده یا عقد بر مبنای آن واقع شود. بنابراین از آنجا که نفقه در نکاح منقطع برخلاف نکاح دائم، از آثار قانونی نکاح نبوده بلکه ریشه قراردادی دارد در

طبق بند ۹ ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون ملغی اعلام شده و ماده ۵۳ این قانون جایگزین آن شده است. در حال حاضر در ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ با تعیین مجازات حبس تعزیری درجه شش نسبت به ترک انفاق جرم انگاری شده است. چه اینکه به (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ / ۲/۱) که سابقه وضع این ماده به قانون مجازات قبل بازمی‌گردد: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.» در فقه اسلامی نیز تعدادی از فقها به حبس تارک انفاق آن هم در صورتی که امکان اجبار او به پرداخت نفقه از طریق دیگری میسر نشود به عنوان آخرین راه حل نظر داده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ۲۹۷؛ نجفی ۱۴۰۴، ج ۳۱، ۳۸۸؛ اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۷، ۵۹۳).

به موجب ماده ۵۳ «هر کس با داشتن استطاعت، مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود» (حبیبی تبار و فراهانی، ۱۳۹۴، ۵۹).

چنانکه ملاحظه می‌شود در این ماده مجازات حبس به عنوان ضمانت اجرای کیفری ترک انفاق ابقاء شده است لکن مدت آن مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به بیش از ۶ ماه تا ۲ سال افزایش یافته است لذا نسبت به ضمانت‌های اجرای قبلی از سخت‌گیری بیشتری برخوردار بوده که از این جهت با امری بودن

قانون مدنی در راه مطالبه حق الزحمه خدمات زن ایجاد می‌کرد، با این اقدام قانون‌گذار امروزه از حیث حقوقی از میان برداشته شده است. بنابراین در حال حاضر تنها دو ماده قانونی در خصوص اجرت‌المثل ایام زوجیت لازم‌الاتباع و مجری است، تبصره‌ی ماده‌ی ۳۳۶ ق.م. و ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده» (حاتمی؛ زبرجد، ۱۳۹۴، ۸۵).

بنابراین در حال حاضر «ظاهراً مطالبه اجرت‌المثل توسط، زن منوط به وقوع طلاق و جدایی بین زن و شوهر نبوده و ثبوت آن در صورت وقوع طلاق، نیز منحصر به موردی که زن بدون تقصیر توسط مرد طلاق داده شود. نیست بر این اساس که مبنای حقوقی اجرت‌المثل استیفا از عمل غیراست هرگاه شرایط استیفا فراهم، شد در صورت مطالبه دادگاه بایستی حکم به پرداخت اجرت‌المثل. نماید رأی مشورتی (۷/۲۷۵) اداره حقوقی قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۵ نیز این نظر را تأیید می‌کند» (قربان وند، ۱۳۹۴، ۹۹). علاوه بر این «با تصویب قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ و نسخ تبصره‌ی ۶ ماده واحده مذکور قانون‌گذار مجدداً به مبنای شرعی و قانونی اجرت‌المثل یعنی استیفا از عمل دیگری بازگشته است؛ بنابراین برای پرداخت حقوق مالی زوجه از دو جنبه‌ی اجرت‌المثل ایام زوجیت و شروط مالی مذکور در ضمن عقد در حال حاضر محدودیت قانونی وجود ندارد» (حبیبی تبار و فراهانی، ۱۳۹۴، ۵۹).

در راستای بیان اشکالاتی که در موضوع اجرت‌المثل و نحله طی تدوین قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ برجا مانده یا به وجود آمده است چند مورد را به اختصار می‌توان مطرح کرد:

صورت استنکاف شوهر از پرداخت نفقه از جنبه کیفری برخوردار نبوده و تنها از لحاظ حقوقی طرح دعوی حقوقی قابل پیگیری خواهد بود (ولیدی، ۱۳۸۳، ۳۴۶؛ اسدی، ۱۳۹۰، ۱۶۱؛ زراعت، ۱۳۸۰، ۴۸۳؛ شریف، ۱۳۷۶، ۱۰۵؛ محمدخانی، ۱۳۸۹، ۴۴). لزوم تفسیر مضیق قوانین جزایی نیز مؤید این نظر است. چنانکه رأی شماره ۲۹۷۰ شعبه دو دیوان عالی کشور به تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۲۱ مقرر می‌دارد در عقد انقطاع ترک اتفاق قابل تطبیق با ماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی (۶۴۲ قانون مجازات) نیست و اساساً عمل جرم نخواهد بود ولو اینکه نفقه هم شرط شده باشد چه ماده مزبور ناظر به عیال دائمی است» (متین، ۱۳۱۲، ۱۹۵). هرچند به موجب ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی این امکان وجود دارد که اقامه دعوی حقوقی مطالبه نفقه از سوی زوجه موقت به حبس زوج بینجامد (پور رنگ نیا، ۱۳۸۲، ۱۸۵). زیرا مطابق این ماده «اگر استیفای محکوم به از طریق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم علیه به تقاضای محکوم له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم له حبس می‌شود...»

۵-۵. ضمانت اجرای اجرت‌المثل و نحله

از آنجا که بحث اجرت‌المثل و نحله آمیختگی موضوعی با یکدیگر دارند و در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ نیز تصریح لفظی به نحله نشده، بهتر آن است که این دو مبحث ذیل یک عنوان بررسی شود. یکی از دستاوردهای قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در بحث اجرت‌المثل نسخ تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ می‌باشد؛ «چراکه مواعینی که بند الف این تبصره مازاد بر شرایط عمومی استیفا از عمل غیر مندرج در ماده ۳۳۶

مصادیقی از فعالیت‌های مستحق اجرت از جانب، زوجه و یا با ورود صریح به عنوان فصل الخطاب، با مشخص کردن امور تبرعی و غیرتبرعی زوجه در امور زندگی مشترک به اعمال نظرات مختلف دادگاه‌ها و ابهام حقوقدانان در این زمینه پایان می‌داد.

۳) همان‌طور که از ظاهر ماده ۳۳۶ و تبصره ذیل آن بر می‌آید زمان خاصی برای مطالبه‌ی اجرت‌المثل در نظر قانون‌گذار نبوده است بنابراین بین ماده‌ی ۲۹ قانون حمایت خانواده و این قانون تناقضی در خصوص زمان مطالبه اجرت‌المثل وجود دارد. ظاهر مواد حاکی از آن است که مطالبه اجرت‌المثل به طور کامل طبق ماده ۳۳۶ قابل رسیدگی است و زوجه هر زمانی می‌تواند نسبت به مطالبه آن اقدام کند، اما اینکه قانون‌گذار در فصل چهارم و زیر مجموعه‌ی فصل طلاق در قانون حمایت خانواده به موضوع اجرت‌المثل اشاره کرده باعث به وجود آمدن ابهامی در خصوص زمان مطالبه برای زوجه شده است که لازم است با تفسیر قانون برطرف شود.

ایراد دیگری که به بند مورد اشاره قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، یعنی بند (ب) تبصره‌ی ۶ وارد شده این است که قید وسع مالی زوج، موجب خواهد شد که زوج، اگر از حیث مالی فقیر یا ضعیف باشد، یا عամداً با انتقال اموال، خویش را تنگدست و معسر معرفی کند. پرداخت نحله به زوجه با مشکل روبه‌رو گردد و یا میزان آن کاهش یابد. فلذا شایسته این بود که قید وسع مالی زوج، شرط اجرای پرداخت قرار می‌گرفت، نه شرط استحقاق آن؛ همان‌گونه که در تبصره ۳، اعسار زوج، تأدیه را منتفی نمی‌کرد بلکه نحوه پرداخت را تغییر می‌داد (جعفری دولت‌آبادی، ۱۳۸۵، ۳۵).

۱) ماده‌ی ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱، موضوع اجرت‌المثل را به تبصره‌ی الحاقی ماده ۳۳۶ قانون مدنی ارجاع داده است. طبق این تبصره شرایط تعلق اجرت‌المثل به زوجه عبارت است از دستور زوج به انجام دادن عمل، عدم قصد تبرع از سوی زوجه در حین انجام دادن کار اینکه عمل صورت گرفته از جمله اموری که شرعاً بر عهده‌ی زوجه است نباشد و همین‌طور آن عمل در عرف اجرت داشته باشد. طبق همین تبصره احراز دستور زوج و قصد عدم تبرع زوجه از سوی دادگاه است، در صورتی که احراز این دو شرط مانع جدی در رسیدن زوجه به اجرت‌المثل محسوب می‌شود و قابلیت تأمین هدف قانون‌گذار از تصویب این تبصره را ندارد؛ تا آنجا که می‌توان گفت مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ ق.م. در اثبات این حق قابلیت بیشتری دارند تا تبصره ماده‌ی ۳۳۶ ق.م. که به طور خاص برای این منظور به تصویب رسیده است؛ چراکه این قصد تبرع» است که خلاف اصل است و باید اثبات شود و بار اثبات آن نیز با مدعی آن، یعنی مرد است ولی قرار دادن این قید اضافه و الزام به اینکه زن ثابت کند قصد تبرع، نداشته در واقع اثبات امری مطابق اصل بر عدم تبرع است و اثبات امر عدمی و خلاف قاعده‌ی حقوقی است.

۲) اشکال دیگر اینکه طبق نظر برخی حقوقدانان و فقها که به نظر منطقی می‌نماید زن نمی‌تواند برای انجام دادن کاری که لازمه‌ی زندگی مشترک و معاضدت خانوادگی است، اجرت‌المثل مطالبه کند (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۲۸۲). حال این سؤال مطرح می‌شود که زن در واقع برای کدام یک از فعالیت‌های خود در خانه، مرد می‌تواند اجرت‌المثل مطالبه کند. شایسته بود قانون‌گذار با ورود قانونی به بحث اجرت‌المثل بابیان

البته اگر نحله را در مفهوم فقهی در نظر بگیریم شرط وسع مالی زوج با مبنای فقهی نحله مطابقت دارد.

۵-۶. حقوق مستمری زوجه

همان‌طور که اشاره شد یکی از اساسی‌ترین دستاوردها و نوآوری‌های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ که به، اشکالات ابهامات و قوانین متناقض در موضوع واحد پایان داد، موضوع ماده ۴۸، یعنی حقوق و وظیفه مستمری می‌باشد که با در نظر گرفتن نفع جامعه و امنیت مالی و روانی افراد حمایت ویژه قانونی را در خصوص زوجه متوفی و فرزندان اناث وی برقرار و به عنوان فصل الخطاب به پراکندگی قانونی موضوع مستمری پایان داد به عنوان مثال طبق قانون استخدام کشوری استفاده هم زمان از دو حقوق یعنی حقوق بازنشستگی و مستمری همسر به طور هم زمان برای زوجه منع قانونی نداشت اما طبق قانون تأمین اجتماعی افراد تحت پوشش این بیمه نمی‌توانستند به طور هم زمان از هر دو حقوق استفاده کنند.

متأسفانه در عمل مؤسسات کوچک بیمه‌گر هرکدام طبق سلیقه‌ی خود، رویه قانون استخدام کشوری یا تأمین اجتماعی را اتخاذ می‌کردند تا اینکه قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ به‌صراحت بند ۲ ماده ۴۸ به این ناهماهنگی‌ها پایان داد: «دریافت حقوق بازنشستگی یا از کار افتادگی مستمری از کار افتادگی یا بازنشستگی حسب مورد توسط زوجه متوفی مانع از دریافت حقوق وظیفه یا مستمری متوفی نیست»؛ به نظر می‌رسد که هدف قانون حمایت خانواده که پشتیبانی از زن به عنوان قشر آسیب‌پذیر جامعه است با این مصوبه سازگارتر می‌باشد.

نمونه‌ی دیگری از رفع تناقضات، قانونی مسئله دریافت مستمری همسر متوفی بعد از ازدواج مجدد زن بود؛ تا قبل از سال ۱۳۷۹ به موجب بند "ت" قانون استخدام کشوری زوجه دائمی متوفی تا زمانی که ازدواج نکرده بود می‌توانست از حقوق وظیفه همسر خود بهره‌مند شود و در صورت ازدواج مجدد دیگر این حق را نداشت اما در ۱۳۷۹/۱/۱ مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بند "ت" قانون استخدام کشوری را اصلاح نمود و حق استفاده از بازنشستگی همسر را حتی در صورت ازدواج مجدد بلامانع دانست بعد از گذشت حدود یک سال توسط نمایندگان دوره بعد مجلس به موجب قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی این حق از زنان سلب شد. که باعث ایجاد تناقض و تالی‌های فاسد بسیاری شد چراکه با وجود چنین قانونی زنان یا از ازدواج خودداری می‌کردند و یا در صورت ازدواج از ثبت آن خودداری می‌نمودند همین‌طور استفاده از لفظ "ازدواج" و "همسر" به صورت مطلق باعث برداشت نادرست توسط برخی از صندوق‌های بیمه‌گر شده و آن‌ها حتی در صورت ازدواج موقت زن او را از دریافت حقوق همسر اول خود محروم می‌کردند. قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ به درستی این حق را به زنان بازگرداند و به صراحت آن‌ها را، حتی در صورت ازدواج مجدد از این حق برخوردار دانست (سهراب بیگ، خردمندی، ۱۳۹۴).

اقدام مفید دیگر قانون‌گذار در این ماده تصریح به ارگان‌های تحت شمول این ماده است: "میزان حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم متوفی و فرزندان و سایر وراث قانونی وی و نحوه تقسیم آن در تمام صندوق‌های بازنشستگی اعم از کشوری،

نامه‌ای در خصوص اجرای آن عنوان شد که باعث شده بود که اجرای قانون مسکوت بماند. اما خوشبختانه چندی است که مصوبه‌ی قانون حمایت در خصوص زنانی که پس از فوت شوهر کنند اعمال شده و مستمری همسر متوفی به ایشان پرداخت می‌شود.

دومین اشکالی که می‌توان بر این ماده وارد، کرد ارجاع به ماده ۸۷ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ برای نحوه تقسیم حقوق وظیفه بین وراث قانونی است؛ این در حالی است که طبق این ماده در صورتی که سهم یکی از وراث قطع شود سهم او به نفع صندوق بازنشستگی ضبط شود! این حکم به این معناست که فردی ماهانه برای تأمین آینده خود و فرزندانش حق بیمه پرداخت کند ولی به دلیل خارج شدن یکی از وراث از شمول استحقاق مستمری، سهم وی به صندوق بازنشستگی برود؛ در حالی که اگر قانون به نحوی اصلاح شود که سهم فردی که محروم شده به دیگر وراث تعلق، گیرد هیچ هزینه‌ای به دولت و صندوق بازنشستگی تحمیل نمی‌شود زیرا هزینه آن از محل کسورات خود متوفی تأمین شده است (سهراب بیگ؛ خردمندی، ۱۳۹۴). از دیگر اشکالات این ماده عدم توجه به خواهران بی‌سرپرست متوفی است که به دلیل اینکه خارج از موضوع بحث ماست صرفاً به ذکر آن اکتفا می‌شود. علی‌رغم وجود اشکالاتی از این، دست همان طور که گفته شد یکی از بهترین اقدامات قانون‌گذار در قانون مصوب ۱۳۹۱ تدوین ماده‌ی ۴۸ می‌باشد که علاوه بر اینکه بسیاری از امتیازات را برای زنان و فرزندان اناث قائل شد از جمله برخورداری از مستمری خود و شوهر به صورت توأمان، استحقاق مستمری در صورت ازدواج مجدد برای زنان دریافت مستمری حتی در صورت ازدواج

لشکری تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌های خاص به ترتیب زیر است....؛ خوشبختانه وجود این، نص امکان سوء برداشت و یا سرپیچی از سوی ارگان‌های مربوطه باقی نگذاشته است.

در خصوص ایرادات و خلأهای احتمالی این مبحث می‌توان گفت اولین اشکالی که در این زمینه مطرح شده در خصوص میزان سوء استفاده‌هایی است که از این مقرره به عمل خواهد آمد. از نظر برخی زنی که ازدواج مجدد می‌کند، تحت تکفل مرد دیگری می‌رود که مکلف به پرداخت نفقه به وی می‌باشد و نباید در شمار افراد مستمری بگیر باقی بماند اما واقعیت موجود در جامعه حاکی از آن است که پرداخت مستمری به چنین زنانی هرچند آسیب‌ها و مشکلاتی به همراه دارد ولی به طور کلی قانونی مفید به حال اجتماع خواهد بود و این مقرره را بایستی ناشی از این دانست که در جامعه ما مشکلات ناشی از فوت همسر به حدی زیاد است که حتی ازدواج مجدد هم در غالب موارد نمی‌تواند آرامش زن را تأمین نماید و چنین زنی نمی‌تواند مانند یک فرد مجرد اقدام به ازدواجی کند که در آن تمامی حقوقش تأمین شود.

متأسفانه علی‌رغم تلاش نمایندگان مجلس شورای اسلامی در راستای الحاق بند مذکور، به این مصوبه، این ماده قانونی تا سال ۱۳۹۳ اجرا نشد و باعث گردید تا زنانی که پس از فوت شوهر تمایل به ازدواج مجدد دارند به دلیل قطع مستمری یا از این اقدام امتناع کرده و یا ازدواجشان را ثبت رسمی نکنند در بیان علت این مسئله با وجود صراحت قانون به این امر که اگر زن سرپرست خانوار مستمری بگیر ازدواج، کرد مستمری‌اش قطع نشود؛ عدم تصویب آیین

مجدد و منوط کردن منع استحقاق به دو شرط داشتن شغل و شوهر به طور توأمان برای فرزندان (اناث)؛ همین طور به تشتت آراء میان سازمان‌های گوناگون و قوانین مختلف پایان داد.

۶. نتیجه‌گیری

نفقه و مهریه به عنوان مهم‌ترین حقوق مالی زوجه در روابط زوجین دارای ضمانت اجرای مدنی و کیفری است. حق حبس و امتناع زوجه از تمکین مهم‌ترین ضمانت مدنی مهریه در فقه و حقوق مدنی است. این امر ناظر به حالتی است که هنوز تمکین خاص رابطه زناشویی صورت نگرفته و مهریه نیز حال باشد. در این زمان زن می‌تواند مادامی‌که مهر را دریافت نکرده از وظایف زوجیت تمکین خاص امتناع کند بدون آنکه از حق خود بر نفقه محکوم گردد در خصوص ضمانت اجرای مهریه در قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ باید گفت اگر زوج مالی نداشته باشد، مهریه فقط تا ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی یا معادل قیمت آن ضمانت اجرای جلب دارد به بیان دیگر نپرداختن مهریه تا میزان ۱۱۰ سکه مواجهه با جلب خواهد بود و اگر مردی یک‌دفعه و یا قسطی ۱۱۰ سکه را پرداخت نماید و بقیه مهریه را پرداخت نکند امکان جلب و زندانی کردن او میسر نمی‌باشد ولی اگر زوجه بتواند مالی از او به دادگاه معرفی کند می‌تواند باقی مانده مهریه را وصول نماید.

برای تضمین اجرای نفقه که به موجب زوجیت و قرابت و فراهم بودن دیگر شرایط بر عهده شخص منفق قرار می‌گیرد ضمانت‌های اجرایی حقوقی مواد ۱۱۱۱ و ۱۱۲۹ ق.م و بند ۲ ماده ۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ و مواد ۶، ۲۹ و ۴۷ ق.ح. (۱۳۹۱) و کیفری ماده ۵۳ ق.ح. (۱۳۹۱) پیش‌بینی شده است زوج‌های که باوجود تمکین

نفقه خود را دریافت نکرده می‌تواند با طرح دعوای حقوقی در دادگاه خانواده نفقه خود را مطالبه نماید در این راه می‌تواند از اقدامات تأمینی مقرر شده در ماده ۱۲۰۵ اصلاحی ق.م استفاده نماید و در صورتی‌که الزام شوهر به پرداخت نفقه به هیچ وجه ممکن نشود به عنوان آخرین راه کار از دادگاه درخواست طلاق نماید همچنین اگر باوجود تصویب قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، ماده ۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ ق.م را همچنان معتبر بدانیم زوجه می‌تواند مطابق بند ۲ آن در صورت امتناع زوج از پرداخت نفقه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش را در دادگاه خانواده مطرح نماید. در این حالت اگر عدم امکان الزام زوج به پرداخت نفقه بر دادگاه محرز شود بدون نیاز به صدور حکم انفاق نسبت به صدور گواهی عدم امکان سازش اقدام می‌شود

ضمانت اجرای کیفری نفقه زوجه بابت شرایط تحقق جرم ترک انفاق در ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ پیش‌بینی شده است. با وجود آنکه به موجب این ماده تحقق جرم ترک انفاق مشروط به تمکین زوجه می‌باشد لکن تبصره این ماده استثنایی را در این زمینه بیان نموده که از نوآوری‌های قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ محسوب می‌شود به موجب تبصره ماده ۵۳ برای زنی نیز که قانوناً مجاز به عدم تمکین می‌باشد امکان استفاده از ضمانت اجرای کیفری ترک انفاق وجود دارد. از دیگر نوآوری‌های این قانون اشاره‌ی تبصره ماده ۵۳ به امکان اجرای ضمانت اجرای کیفری در خصوص ترک نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی و کودکان تحت سرپرستی می‌باشد.

داشت که آیا باید در این زمینه قانون سال ۵۳ را مجری دانست یا خیر اهمیت قوانین و مقررات در حقوق برسد.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع فارسی

- ابهری، حمید؛ معینی فر، یاسر؛ درگاهی، مهدی، قانون حمایت خانواده در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، تهران، طرح نوین اندیشه، ۱۳۹۴.
- ارشدی، علی یار، نفقه زوجه در حقوق ایران، انگلیس و هند، چاپ اول، تهران، انتشارات بوستان توحید، ۱۳۷۹.
- اسدی، لیلا سادات، درسنامه حقوق کیفری خانواده، چاپ اول، تهران، نشر کارور، ۱۳۹۰.
- اشتهااردی، علی پناه، فتاوی ابن جنید، چاپ اول، قم، موسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۷۳.
- امیر محمدی، محمدرضا، حقوق مدنی (نظام مالی خانواده)، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۸.
- بهرامی، بهرام، بایسته‌های تفسیر قوانین و قراردادها، چاپ سوم، تهران، انتشارات نگاه بینه، ۱۳۹۲.
- پور رنگ نیا، اکرم، حضانت و نفقه زوجه، چاپ اول، تهران، انتشارات مادر، ۱۳۸۲.
- ترابی، کریم، «حقوق و تکالیف قانونی در روابط مالی زوجین با رویکرد فقهی و

در خصوص نحله ذیل بند (ب) تبصره، ۶ قید وسع مالی زوج، موجب خواهد شد که زوج، اگر از حیث مالی فقیر یا ضعیف باشد، یا عامداً با انتقال اموال، خویش را تنگدست و معسر معرفی کند، پرداخت آن به، زوجه با مشکل روبه‌رو می‌شود و یا میزان آن کاهش یابد شایسته این بود که قید وسع مالی زوج"، شرط اجرای پرداخت قرار می‌گرفت نه شرط استحقاق آن.

این دیدگاه وجود داد که اجرت‌المثل زوجه تنها زمانی دارای ضمانت اجرا می‌باشد که زوجه از زوج طلاق بگیرد اما از آنجا که هرگاه کسی برحسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مہیای آن عمل باشد عامل مستحق اجرت عمل خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که قصد تبرع داشته است زوجه در طول زندگی مشترک نیز می‌تواند مطالبه اجرت‌المثل نماید.

در بحث مستمری کوتاهی قانون در ارجاع به ماده ۸۷ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ برای نحوه تقسیم حقوق وظیفه بین وراث قانونی است؛ این در حالی است که طبق این ماده در صورتی که سهم یکی از وراث قطع شود سهم او به نفع صندوق بازنشستگی ضبط می‌شود در صورتی که چنین خلاف اصول اسلام و مصداق تملک مال غیراست.

از آنجایی که در ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ اشاره به نسخ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ نشده است، به ناچار باید مقررات قانون سال ۵۳ را در مواردی که معارض قانون سال ۹۱ محسوب نمی‌شود همچنان معتبر دانست. لکن در مواردی که موضوعی در قانون مصوب ۱۳۹۱ به سکوت برگزار می‌شود همیشه این تردید وجود خواهد

- حقوقی، مجله مطالعات فقه اقتصادی، شماره چهارم، ۱۳۹۹.
- جعفری دولت‌آبادی، عباس، «بررسی حقوق مالی زوجه در موارد صدور حکم طلاق به درخواست زوج»، نشریه دادرسی، شماره پنجاه و هفتم، ۱۳۸۵.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دوره متوسط حقوق مدنی (حقوق خانواده)، چاپ چهارم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶.
- حاتمی، علی‌اصغر؛ زبرجد، سیده فاطمه، «اجرت‌المثل ایام زوجیت و نحله با نگرشی بر قانون حمایت خانواده مصوب اسفند ۱۳۹۱»، فصلنامه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره اول، ۱۳۹۴.
- حبیبی تبار، جواد؛ فراهانی، انیسه، «قانون حمایت خانواده و ضمانت اجرای مؤثر در مورد نشوز زوج»، مجله مطالعات اسلامی زنان و خانواده، شماره دوم، ۱۳۹۴.
- دیانی، عبدالرسول، حقوق خانواده (ازدواج و انحلال آن)، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۷.
- زایرتوری، شکوفه؛ بحری (طیبی)، علی، «بررسی حقوق مالی زوجه در حین زوجیت»، مجله زن و فرهنگ، شماره بیست و هشتم، ۱۳۹۵.
- زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۰.
- سهراب بیگ، زهرا؛ خردمندی، سعید، «ارزیابی و تحلیل حقوقی جایگاه زنان در قانون حمایت از خانواده با رویکرد توسعه فرهنگی و خانواده پایدار»، اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس، ۱۳۹۴.
- شریف، علی، نفقه و تمکین در حقوق خانواده، چاپ اول، تهران، نشر بشارت، ۱۳۷۶.
- صفایی، حسین، «بیانات استاد در تشریح موادی از قانون حمایت خانواده»، نشر در پایگاه خبری اعتبار، ۱۳۹۲.
- صفایی، حسین، امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، چاپ سی‌ام، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- صمدانی، سید جلال؛ فهیم، محسن؛ حیدری، محمدعلی، «نقش عرف در تعیین حقوق مالی زوجین از منظر فقه امامیه»، مجله مطالعات فقه اقتصادی، شماره دوم، ۱۴۰۱.
- قبولی درافشان، محمد مهدی؛ محسنی، سعید، «نوآوری‌های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در زمینه مقررات شکلی مرتبط با دعاوی خانوادگی»، پژوهش‌نامه زنان علوم اجتماعی (علمی- پژوهشی)، شماره دوازدهم، ۱۳۹۴.
- قربان‌وند، محمدباقر، تفسیر قضایی و نقد قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱)، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۴.
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (خانواده)، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.
- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۸.
- متین، احمد، مجموعه رویه قضایی قسمت کیفری (شامل آراء شعب و هیئت‌های عمومی دیوان عالی کشور از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۳)، چاپ اول، تهران، چاپخانه آفتاب - ناصر خسرو، ۱۳۱۲.

- محقق داماد، مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن)، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۰.
- محمدخانی، عباس، «جرم ترک انفاق در حقوق ایران»، مجله دادرسی، شماره هشتاد و دوم، ۱۳۸۹.
- مرادی، امیر، کمک حافظه اصول فقه، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات دور اندیشان، ۱۳۹۴.
- موسوی خمینی، روح‌الله، ترجمه تحریرالوسیله، جلد دوم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲.
- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی و حقوق و تکالیف خانوادگی، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳.
- حلی الهذلی، یحیی بن سعید، الجامع للشرائع، قم، موسسه سید الشهداء العلمیه، ۱۴۰۵.
- خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، جلد دوم، قم، نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، جلد ششم، تهران، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷.
- طوسی، ابی جعفر محمد، المبسوط فی فقه الإمامیه، جلد چهارم، تهران، چاپخانه مرتضوی، ۱۳۷۸.
- طوسی، ابی جعفر محمد، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، جلد هفتم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین، مباحث حقوقی شرح لمعه (لروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه)، چاپ هشتم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۰.

منابع عربی

- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین، من لایحضره الفقیه، جلد سوم، قم، جماعه المدرسین فی حوزه العلمیه، ۱۴۰۴.
- اصفهانی (فاضل هندی)، محمد بن حسن، کشف اللثام والإبهام عن القواعد الأحکام، جلد هفتم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، جلد هفتم، قم، داوری، ۱۴۱۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد بیست و یکم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد چهارم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
- موسوی خمینی، روح‌الله، تحریرالوسیله، جلد دوم، نجف، الآداب، ۱۳۹۰.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد سی و یکم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴.

